# کار

چهارشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۸۱ - ۱۲ مارس ۲۰۰۳ - دوره سوم - شماره ۲۹۹

KAR - No. 299 Wednesday 12. Mar. 2003

G 21170 D

آدرس کار در اینترنت: http://www.fadai.org

آدرس پست الکترونیکی: kar-aksaryat@gmx.de

شماره فاکس: Fax: 0049 - 221 - 331 82 90

شماره پیامگیر: 0049 ö 221 ö 9322136

تک فروشی: ۲/۲۰ یورو

بهای اشتراک: شش ماهه ۳۰ یورو؛ یک ساله ۶۰ یورو

Verleger: I.G.e.v

آدرس: I.G.e.v
Postfach 260268
50515 Koeln
Germany

دارنده حساب: I.G.e.v
شماره حساب: 22 44 20 32
کد بانک: 37 05 01 98
نام بانک: Stadtsparkasse Koeln



فرم درخواست اشتراک کار

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:

مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

نام:.....

نشانی:.....

.....

.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر) به آدرس کار پست کنید!


# مواضع دول عربی در بحران خاورمیانه

## اجلاس شرم‌الشیخ از حرف تا عمل!

محمود صالحی

**شورای امنیت:**
**پافشاری جناح‌ها بر مواضع!**

هفته گذشته بار دیگر هانس بلیکس و محمد البرادعی گزارش خود را در مورد روند خلع سلاح عراق به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه دادند.

بلیکس در جمع اعضای شورای امنیت با مهم‌دانستن انهدام موشک‌های الصمود گفت: دولت عراق همکاری بیشتری با سازمان ملل داشته، اما سرعت اقدامات دولت عراق کافی نیست. وی با اشاره به اینکه بازرسان هیچگونه سلاح میکروبی و شیمیایی در عراق کشف نکرده‌اند افزود: اما پرسش‌های بسیاری در مورد این مسئله وجود دارد که دولت عراق به آن‌ها هنوز پاسخی نداده است.

محمد البرادعی رئیس آژانس بین‌المللی اتمی نیز در این جلسه شورای امنیت تاکید کرد: اسنادی که از سوی سازمان سیا و توسط کالین پاول وزیر امور خارجه آمریکا به شورای امنیت مبنی بر واردات اورانیوم توسط عراق از نیجریه ارائه شده، جعلی بوده و این کشور طی سالهای گذشته در زمینه ساخت سلاح‌های اتمی فعالیتی نداشته است.

در نشست روز جمعه شورای امنیت، واشنگتن، مادرید و لندن با ارائه یک قطعنامه پیشنهادی خواستار تعیین روز ۱۷ مارس بعنوان ضرب‌الاجل خلع سلاح عراق شدند. این درحالی است که مردم در همان ساعت‌هایی که اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور در دانشگاه الزهراء گرد آمده بودند و پیرامون مهم‌ترین تحولات جامعه دانشگاهی در ماه‌های اخیر گفتگو می‌کردند و به ارزیابی شرایط سیاسی اجتماعی کشور مشغول بودند و ضرورت و موانع شکل‌گیری جبهه فراگیر دموکراسی‌خواهی را ارزیابی می‌نمودند مردم کشور در انتخابات شوراها با عدم حضور در پای صندوق‌های رای یکبار دیگر بسیاری از معادلات سیاسی جامعه را دگرگون کردند. این اقدام مردم بی‌شک از اهمیت بسیاری برخوردار است و جغرافیای سیاسی کشور را در آینده نزدیک دچار دگرگونی‌های اساسی می‌نماید. همزمانی انتخابات شوراها و تصمیم اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان برای خروج از جبهه دوم خرداد و بسترسازی برای تشکیل جبهه فراگیر دموکراسی‌خواهی سبب شد که این طرح با توجه بسیار بیشتری از سوی محافل سیاسی مورد بررسی قرار گیرد.

در این راستا اعضای شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت مواضع و نظرات خود را در قالب قطعنامه پایانی این نشست به شرح زیر اعلام می‌دارد:

انتخابات شوراها

انتخابات شوراها بی‌شک در تحولات آینده جامعه ایران یک نقطه عطف جدی تلقی می‌گردد. تصمیم جامعه ایرانی برای تمامی جناح‌های سیاسی کشور پیامهای مهمی در برداشت و هر فرد و جریانی که گوش خود را بر صدای بلند مردم ببندد قطعا در آینده بیش از این از تحولات جامعه عقب می‌ماند و چه بسا به کلی از معادلات حذف گردد.

از نظر ما دو عامل عمده سبب شد که مردم در انتخابات شوراها مشارکت نکنند.

الف - بی‌اعتباربودن رای مردم: ایرانیان در انتخابات متعدد گذشته از دوم خرداد ۷۶ تا انتخابات ریاست جمهوری ۸۰ به وضوح خواست خود را برای اصلاح ساختار قدرت از سوی بخش تحول‌طلب نظام ابراز نمودند و حاضر شدند بسیاری از اشکالات و نارسایی‌های جدی موجود در قانون اساسی و قوانین جاری کشور را نادیده بگیرند و علیرغم دومرحله‌ای بودن انتخابات و نظارت‌های تنگ‌نظرانه شورای نگهبان از ابزار انتخابات به عنوان بیان نظرات خود و راهکاری برای اصلاح ساختار نظام استفاده نمایند. اما اتفاقات سالیان اخیر بر همگان ثابت نمود که نهادهای منبعث از رای مردم جایگاه چندان محکمی در ساختار کنونی قدرت و در نظر رهبری و حاکمان ندارند و هرگاه بخواهند اندکی از حد و مرزهای تعیین‌شده توسط نهادهای انتصابی فراتر روند راه آنها به کلی مسدود خواهد شد.

از سوی دیگر مجموعه نظام به هیچ روی حاضر به پذیرش هیچ نیرویی بیرون از خود، حتی در بخش‌های حاشیه‌ای قدرت نیز نیست. سخنان رهبری در مخالفت با تائید صلاحیت اعضای نهضت آزادی ایران در انتخابات شوراها از سوی نهادی انتخابی مانند مجلس نشان داد که حتی حزبی مانند نهضت آزادی ایران که حداکثر تلاش خود را برای پذیرفتنی جلوه‌دادن سیاست‌هایش برای نظام انجام داده است، نمی‌تواند در مدار تصمیم‌گیری‌های بسیار خرد مانند مدیریت ترافیک - جمع‌آوری زباله شهری و ... حضور داشته باشد و حتی برای ورود در این سطح از تصمیم‌گیری‌های نظام حاضر تصویب این قطعنامه مورد وتوی هیچ‌یک از اعضای دائمی شورا قرار نگیرد. فرانسه، روسیه و چین ضمن مخالفت با صدور قطعنامه جدید خواستار ادامه بازرسی‌ها در این کشور شدند. فیشر وزیر خارجه آلمان نیز گفت: این قطعنامه مکانیزمی را به جریان خواهد انداخت که نتیجه آن جنگ خواهد بود.

**اجلاس شرم الشیخ:**
**از حرف تا عمل!**

اجلاس جامعه عرب در منطقه ساحلی شرم‌الشیخ با حضور ۲۲ کشور عضو برگزار شد. در قطعنامه پایانی این اجلاس سران دول عربی «هرگونه مداخله نظامی در عراق را محکوم کردند». در این قطعنامه همچنین اعلام شد که «هیچیک از کشورهای عرب در تهاجم نظامی علیه عراق شرکت نمی‌کنند».

هرچند در قطعنامه پایانی اجلاس شرم الشیخ، جامعه عرب با اعلام محکومیت مداخله نظامی در عراق سیاست واحدی از خود ارائه داد، اما:

● تنفر فی‌مابین!

تنفر حاکم بین رهبران عرب آنچنان به نمایش درآمد که حتی پخش مستقیم مباحث را نیز تحت تاثیر قرار داد و دوربین‌ها بدون اعلام قبلی خاموش شدند.

- سرهنگ قذافی، عربستان را متهم کرد که با دعوت از نیروهای آمریکایی به خاک خود با شیطان متحد شده است. امیر عبدالله ولیعهد عربستان با عصبانیت در جواب قذافی گفت: در کاری که به تو ربط ندارد مداخله نکن. عبدالله قذافی را دروغگو خواند و گفت: در گورستان قبر تو آماده است و ادامه داد: تو قدرت خردت را مدیون چه کسی هستی؟

- در هنگام پخش نامه شیخ زاید رئیس امارات متحده عربی مبنی بر کناره‌گیری صدام‌حسین و ترک عراق، ناجی صبری وزیر خارجه عراق این اقدام را «مسخره» نامید و در حین خروج از سالن بن سعید النحیان وزیر فحش داد که او هم در جواب گفت: «خفه شو میمون! زنت بر تو حرام است، خائن».

● از حرف تا عمل!

در این کنفرانس مواضع مختلف و بعضاً متضاد در مقابل یکدیگر قرار گرفتند. لیبی و سوریه دارای مواضع ضد آمریکایی - اسرائیلی بودند و امارات متحده طرح کناره‌گیری صدام از قدرت را ارائه کرد. عمرو موسی رئیس مصری جامعه عرب در موضع‌گیری نسبت به ارائه این طرح گفت: وظیفه این سازمان دخالت در امور داخلی اعضا نیست.

سران جامعه عرب از یک سو مداخله نظامی در امور عراق را محکوم کردند و خواستار تحقق بخشیدن به قطعنامه‌های سازمان ملل و ادامه کار بازرسان این سازمان شدند. از سوی دیگر عربستان، کویت، امارات متحده و برخی دیگر از دول عربی پایگاه برای حمله در اختیار آمریکا و بریتانیا قرار داده‌اند.

برای نمونه اکنون دوسوم شمال امارات از غیر نظامیان تخلیه و به منطقه نظامی برای ۱۰۰ هزار نظامی آمریکایی و انگلیسی تبدیل شده است.

بر اساس آخرین گزارش ماموران سازمان ملل سیم‌های خاردار واقع در مرز بین کویت و عراق پاره شده‌اند و تفنگداران دریایی آمریکا از مرز بسوی عراق عبور کرده‌اند.

**شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت در قطعنامه پایانی خود:**

# استراتژی «خوداصلاحی» نظام با بن‌بست روبرو است

در این انتخابات علیرغم بن‌بست‌های سیاسی موجود فراهم آید و این ناکامی سبب شد که کارکرد شوراها به رقابت‌های سیاسی و شخصی روزمره محدود گردد و کارکرد اجتماعی شوراها به کلی از سایه قرار گیرد. در حالی که اگر شوراها می‌توانست فراتر از رخدادهای سیاسی روزمره و منافع فردی اعضای آن با بحران‌های جدی اجتماعی روبارو شود، کارکرد اجتماعی و شهری شوراها انگیزه حداقلی برای بخش از مردم برای حضور در انتخابات فراهم می‌کرد. اما انتخابات شوراها برای تمامی گروه‌ها و محافل سیاسی درون جامعه پیامهای مهمی به همراه داشت:

الف - مجموعه حاکمیت: طبیعی است که اگر انتخابات در شهرها و روستاهای کوچک راکه کمتنش مردم بیشتر بر اساس انگیزه‌های قومی قبیله‌ای هدایت می‌شود را کنار بگذاریم میزان مشارکت کیفی مردم در انتخابات چیزی کمتر از ۲۰٪ واجدین شرایط بوده است و این برای مجموعه حاکمیت که همواره آراء به صندوق ریخته شده را رای به کل نظام تلقی نموده است و در دوم خرداد ۷۶ نیز با همین توجه سعی کرد صدای مردم را نادیده بگیرد یک زنگ خطر جدی است.

عدم مشارکت بیش از ۸۵٪ مردم در انتخابات هیچ معنایی جز نارضایتی از شرایط موجود نیست قضاوت و انتخاب را بر عهده خود مردم بگذارد. و حتی اگر مردم نیز برخلاف نظر مسئولان طراز اول نظام به فردی رای دهند رای آنان هیچ اعتباری نخواهد داشت، بی‌شک سخنان رهبری در این خصوص ضربه‌ای جدی به جمهوریت نظام و در حکم توهینی به رای و نظر جمهور ملت تلقی خواهد شد و نتیجه آن جز تضعیف دموکراسی و تقویت دیکتاتوری نخواهد بود. طبیعی است زمانی که مردم به وضوح می‌بینند حاکمیت برای نتیجه رای آنان هیچ اعتباری قائل نیست و تنها علاقمند به استفاده از رقم بالای حاضرین در انتخابات برای تزئین وجهه بین‌المللی خود و خرج‌کردن رای مردم به سر میز مذاکره با قدرت‌های بیرونی است و به هر صورت چه مردم رای دهند و چه رای ندهند، حاکمان روشها و سیاستهای غلط خود را دنبال می‌کند و حضور و عدم حضور ملت برای تصمیم‌گیری در سرنوشت کشور بلااثر است؛ حاضر به شرکت در چنین روند عروسک‌وار نخواهند بود.

ب - عملکرد ضعیف شوراها: شوراهای اسلامی شهر بویژه در شهرهای بزرگ کارنامه چندان قابل قبولی در دوره اول فعالیت خود بر جای نگذاشتند و به هیچ وجه نتوانستند مدیریت شهری موفقی ارائه نمایند تا حداقل کارکرد اجتماعی شوراها انگیزه‌ای برای حضور مردم در انتخابات ندارد. اگر مردم در انتخابات خرداد ۷۶ اصلاح نظام توسط افرادی بر آمده از درون چارچوب نظام را می‌خواستند. در این انتخابات اعلام نمودند که نسبت به موفقیت این تلاش‌ها تردیدی جدی پیدا کرده‌اند و این یاس مسلما یک زنگ خطر جدی برای مجموعه نظام تلقی می‌گردد.

پ - اقتدارطلبان: پیام جدی دیگر این انتخابات به اقتدارطلبانی که هیچ زبان دیگری جز زبان زور برای سخن گفتن با مردم نمی‌شناسند نیز بسیار جدی بود نخست آنکه آنان باید بدانند که هیچ مشروعیتی که در بین مردم ندارند مردم همچنان این جناح در مقابل خود احساس می‌کند و اگر در دوم خرداد ۶۷ با روی آوردن به رقیب آنان «نه بزرگ» خود را به اقتدارگرایان گفتند در این انتخابات با عدم مشارکت در انتخابات این «نه» را به همان فریاد زدند و البته این «نه» بسیار قاطع‌تر از گذشته بود هر چند که این روزها کیهان‌نشینان سعی می‌کنند آرای درخشان ۲/۵ درصدی آبادگران را پیروزی اصولگرایان تلقی نمایند اما بعید است که حتی خودشان نیز این تحلیل‌های مزورانه را باور نمایند. آنچه مسلم است مجموعه عملکرد اینان مردم را به کلی از اصلاح ساختار قدرت از درون نظام مایوس نموده است و همین امر زمینه‌ساز «قهر ملی» ۹ اسفند ماه گردیده است بی‌شک اگر این روند ادامه پیدا کند و سیاست‌های سرکوب‌گرانه اقتدارطلبان نیروهای داخلی را تضعیف نماید نگاه و مردم به آن سوی مرزها می‌چرخد و معنای این چرخش را بی‌شک شما بهتر از ما می‌دانید.

ج - اصلاح‌طلبان: مردم بیش از پنج سال فرصت طلایی در اختیار جریان دوم خرداد برای دستیابی به حداقل از دموکراسی که وعده‌کرده بودند قرار داد. اما امروز با کمال تاسف از توانایی این جریان به شدت مایوس شده است حال چه این ناتوانی مربوط به ضعف عملکرد و عدم همراهی با خواست ملت یا تکرار شعارهای تاریخ مصرف گذشته باشد و خواه مربوط به قدرت و قوت موانع و سدهای پیش روی ایشان در هر حال نتیجه نشستن در جایگاه اعتماد و ملت و عدم توانایی در پاسخگویی به خواست و اراده ملت برای اصلاح جدی و اساسی امور بوده است و در صورتی که در مدت کوتاه باقی‌مانده بویژه با در نظرگرفتن شرایط حساس کشور و منطقه جریان دوم خرداد با بازنگری جدی در اهداف، برنامه‌ها، استراتژی‌ها و تاکتیک‌های خود حضور جدی‌تر در صحنه نداشته باشد افکار عمومی جامعه ایران به کلی از آنان عبور خواهد کرد.

د - نهضت آزادی ایران: این جریان سیاسی نیز با برخورداری از یک سابقه روشن تاریخی سعی کرد در این انتخابات از تمامی ظرفیت‌هایش برای تحمیل خود به قدرت و حضور در نهاد شورا به عنوان یک مجموعه حاشیه‌ای قدرت استفاده نماید اما نتوانست هیچ موفقیتی بدست آورد و به نظر ما انتخابات شوراها دو پیام روشن برای این جریان به همراه داشت:

۱ - نهضت آزادی جز طرح چند شعار کلیشه‌ای و بسیار کلی و مبهم مانند: بهبود وضعیت اشتغال، بهبود وضعیت ترافیک و... هیچ برنامه جدی متمایز از سایر نیروهای شرکت‌کننده در این انتخابات ارائه نکرد. این جریان نتوانست برنامه جدی و دست یافتنی در زمینه امور شهری ارائه نماید و هیچ استراتژی روشن سیاسی برای برون‌رفت از شرایط موجود عرضه نمود در حقیقت جز یک کارنامه تاریخی روشن هیچ مزیتی نسبت به سایر نیروها از خود بروز نداد و طبیعی است که تنها اکتفا بر تاریخچه روشن نمی‌تواند مبنای اعتماد مردم به هیچ جریانی باشد.

۲ - احترام روشنفکران و دانشجویان نسبت به نهضت آزادی ایران بر اساس قرارگرفتن این جریان در موقعیت منتقد منطقی منصف نظام معنا پیدا می‌کند طرح استراتژی وفاق از سوی نهضت آزادی پس از بازگشت دبیر کل آن به کشور و اصرار این جریان برای ورود به معادلات درون قدرت و گفتگو با جریان‌های مختلف درون نظام و نامه‌نگاری‌های دبیر کل این حزب و دبیر کل جمعیت موتلفه همچنان از سوی جامعه دانشگاهی با ابهامات فراوانی روبروست و این جریان تاکنون نتوانسته است توجیه مناسبی برای استراتژی نزدیکی به قدرت علیرغم استراتژی سرکوب‌گرانه اقتدارطلبان ارائه نمایند و همین امر سبب خدشه‌دارشدن اعتماد روشنفکران و دانشجویان نهضت آزادی ایران گردیده است. اعضای نهضت مسلما نیازمند یک بازنگری جدی سیاسی استراتژیک برای حضور مجدد در عرصه سیاست می‌باشند و در

ادامه در صفحه...